



«رضاع» از منظر فقه شیعه و اهل سنت*

شفیقه رأفت^۱

چکیده

«رضاع» و فرزندخواندگی از دیدگاه مذاهب اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به طوری که خداوند متعال در قرآن کریم آیه‌ای را به این مسئله اختصاص داده است که نشان دهنده اهمیت این موضوع از نظر شارع مقدس می‌باشد. مسئله رضاع، همچنین از موضوعات مهم فقهی است که علمای اهل سنت و فقهای شیعه در خصوص آن نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند. در این مقاله سعی شده است که به بررسی این دو دیدگاه در این مسئله پرداخته شود. روش تدوین این پژوهش توصیفی، تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای از منابع اصیل فقه شیعه و اهل سنت می‌باشد. آنچه به عنوان نتیجه این پژوهش می‌توان بیان کرد اینکه هر دو گروه در حکم «رضاع» با همدیگر اتفاق نظر دارند و اختلاف آنها فقط در موضوع «رضاع» می‌باشد.

کلید واژه‌ها: رضاع، محرم، نامحرم، فقه اسلامی، مذاهب.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۱۸ - ۱۳۹۷/۰۵/۲۲.

۱. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی دانش پژوه جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

طفل شیرخوار اگر با رعایت تمام شرایط و ضوابط رضاع در فقه، از زنی شیر بخورد، طبق نصّ صریح قرآن کریم، با زنی که از او شیر خورده و نیز با دختران آن زن، محرم می‌شود، اما این حکم مختص به آن زن و دختران او نمی‌شود، بلکه به دلیل اینکه آن کودک در حکم فرزند واقعی آن زن خواهد بود، آن طفل با تمامی کسانی که فرزند واقعی آن زن و شوهر هستند، محرم می‌شود. این حکم علاوه بر اینکه از ائمه اطهار علیهم‌السلام به ما رسیده است، از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز نقل شده است، لذا اصل رضاع مورد اتفاق شیعه و سنی است تا جایی که آن را اجماعی دانسته‌اند و حتی یکی از ضروریات مذهب یا دین به شمار رفته است، اما در بعضی از شرایط با هم اختلاف دارند. در این نوشتار سعی شده که به بیان برخی از اختلافات پرداخته شود.

۱. «رضاع» در قرآن کریم

در سوره مبارکه بقره با این عبارات به مسئله «رضاع» پرداخته شده است:

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودُهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

مادرانی که می‌خواهند شیر دادن را به فرزندان خود کامل سازند، دو سال تمام شیرشان بدهند. خوراک و لباس آنان به وجهی نیکو بر عهده صاحب فرزند است و هیچ‌کس بیش از قدرتش مکلف نمی‌شود. نباید هیچ مادری به خاطر فرزندش زبانی ببیند و هیچ پدری به خاطر فرزندش و قیم نیز چنین بر عهده دارد و اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مشاورت یکدیگر فرزندشان را از شیر بازگیرند، مرتکب گناهی نشده‌اند و هرگاه بخواهید کسی دیگر را به شیر دادن فرزندان گمارید، اگر مزدی نیکو و در



خورش بپردازید گناهی نیست از خدا بترسید و بدانید که او به کاری که می‌کنید بصیر و بیناست». (بقره: ۱۳۳)

شرح و بررسی

این آیه به تفصیل به مسئله رضاع و شیر دادن نوزادان پرداخته، که «آیه رضاع» نام گرفته است. بر اساس این آیه، حق شیر دادن نوزاد در حال شیرخوارگی مخصوص مادر است؛ البته دو سال برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را کامل کند، ولی مادران حق دارند این مدت را کمتر کنند. هزینه زندگی مادر در دوران شیر دادن بر عهده پدر است، حتی اگر زن را طلاق داده باشد و هیچ‌یک از پدر و مادر نباید به دلیل اختلاف‌هایشان به نوزاد ضرر برسانند. (اردبیلی، بی‌تا، ج ۱: ۵۶۱)

و پس از مرگ پدر، ورثه وظیفه دارند هزینه‌های مادر را هنگام شیردادن تأمین کنند. پدر و مادر می‌توانند با توافق یکدیگر، دوران شیرخوارگی نوزاد را کمتر کنند و پدر نمی‌تواند وظیفه شیر دادن را به دایه واگذارد، مگر اینکه مادر از شیردادن خودداری کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۸۶)

منظور از والدات مادران‌اند و اگر نفرمود «امهات» و به جای آن فرمود: «والدات» برای این بود که کلمه «ام» اعم از کلمه «والده» است، هم چنان که کلمه «أب» اعم از کلمه «والد» است و کلمه «ابن» اعم از «ولد» است و حکم در آیه شریفه تنها در مورد والده و ولد و مولود له (والد) تشریح شده است و اما اینکه چرا به جای «والد» کلمه «مولود له» (آن‌کس که فرزند برای او متولد شده) را به‌کاربرده است، برای این بوده که به حکمتِ حکمی که تشریح کرده است اشاره نموده باشد، یعنی بفهماند پدر به علت اینکه فرزند برای او متولد می‌شود و در بیشتر احکام زندگی‌اش ملحق به اوست - البته در بیشتر احکام نه همه احکام - ناگزیر مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک و پوشاک فرزند و نفقه مادری که او را شیر می‌دهد به عهده او است و این هم به عهده





مادر او است که پدر فرزند را ضرر نزند و آزار نرساند، برای اینکه فرزند برای پدرش متولد شده است. (طباطبایی ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۳۶۰)

کلمه «ارضاع» که مصدر فعل «یرضعن» است، مصدر باب افعال و از ماده «رضاعه» و «رضع» گرفته شده است که به معنای مکیدن پستان به منظور نوشیدن شیر از آن است (دهخدا، ذیل واژه رضاع) و کلمه «حول» (دهخدا، ذیل واژه حول) به معنای سال است و اگر سال را حول (گردش) نامیده‌اند به خاطر این است که سال می‌گردد و اگر حول را به وصف کمال مقید کرد، برای این بود که سال اجزای بسیاری دارد، دوازده ماه و ۳۵۵ روز است و چه بسا می‌شود که به مسامحه یازده ماه و یا ۳۵۰ روز را هم یک سال می‌نامند. مثلاً می‌گویند: «در فلان شهر یک سال ماندم» درحالی‌که چند روز کمتر بوده است و جمله «لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ»، دلالت دارد بر اینکه حضانت (کودکی را در دامن پروریدن) و شیردادن حق مادر و موكول به اختیار او است؛ اگر خواست می‌تواند کودکش را شیر دهد و در دامن پرورد و اگر نخواست می‌تواند از این کار امتناع بورزد، و همچنین رساندن مدت دو سال را به آخر، حق اوست، اگر خواست می‌تواند دو سال کامل شیر دهد و اگر نخواست می‌تواند مقداری از دو سال را شیر داده، از تکمیل آن خودداری کند و اما شوهر چنین اختیاری ندارد (که از ابتدا اگر خواست بچه را از همسر مطلقه‌اش بگیرد و اگر نخواست نگیرد) البته در صورتی که همسرش موافق بود، می‌تواند یکی از دو طرف را اختیار کند، هم‌چنان‌که جمله «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا..» این معنا را می‌رساند.

«وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ، لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا» منظور از کلمه «مولود له» همان‌طور که گفتیم پدر طفل است و منظور از رزق و کسوه، خرجی و لباس است و خدای عز و جل این خرجی و نفقه را مقید به معروف کرد، یعنی متعارف از حال چنین شوهر و چنین همسر و آن‌گاه مطلب را چنین تعلیل کرد که خدا هیچ

کسی را به بیش از طاقتش تکلیف نمی‌کند و آن‌گاه دو حکم دیگر هم بر این حکم ضمیمه کرد:

۱. حق حضانت و شیر دادن و نظیر آن مال همسر است، پس شوهر نمی‌تواند به زور میان مادر و طفل جدایی بیندازد و یا از اینکه مادر فرزند خود را ببیند و یا مثلاً ببوسد و یا در آغوش بگیرد جلوگیری کند، برای اینکه این عمل مصداق روشن مضاره و حرج بر زن است که در آیه شریفه از آن نهی شده است.

۲. زن نیز نمی‌تواند در مورد بچه شوهر، به شوهر مضاره و حرج وارد آورد، مثلاً نگذارد پدر فرزند خود را ببیند و از این قبیل ناراحتی‌ها فراهم کند، چون در آیه شریفه می‌فرماید: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلًا لَّهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهَا بَوْلًا»، نه زن به وسیله فرزندش به ضرر و حرج می‌افتد و نه پدر و اگر در این جمله می‌فرمود: «و لا مولود له به»، و مرجع ضمیر (به) را که همان «ولده» باشد نمی‌آورد، تناقضی به چشم می‌خورد، چون در چنین فرضی ضمیر «به» به کلمه «ولدها» برمی‌گردد، چون در سابق ذکری از کلمه «ولد» به میان نیامده بود، در نتیجه این توهم پیش می‌آمد که در آیه شریفه تناقض هست، از یک طرف می‌فرماید: «شوهر، کسی است که فرزند برای او متولد می‌شود» و از طرفی دیگر می‌فرماید: «فرزند برای مادر متولد می‌شود». پس در جمله مورد بحث، هم حکم تشریح مراعات شده و هم حکم تکوین، یعنی هم فرموده از نظر تکوین، فرزند هم مال پدر و هم مال مادر است و از طرفی دیگر فرموده از نظر تشریح و قانون، فرزند تنها از آن پدر است.

«وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» از ظاهر آیه برمی‌آید آنچه به حکم شرع به گردن پدر است، مانند خرجی و لباس در صورتی که پدر فوت شود به گردن وارث او خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۶)



«فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ...» کلمه «فصال» به معنای از شیر جدا کردن کودک است و کلمه «تشاور» به معنای اجتماع کردن در مجلس مشاوره است و این جمله به خاطر حرف «فاء» که در آغاز دارد تفریع بر حقی است که قبلاً برای زوجه تشریح شده و به وسیله آن حرج از بین برداشته شد، پس حضانت و شیر دادن بر زن واجب و غیرقابل تغییر نیست، بلکه حقی است که می‌تواند از آن استفاده کند و می‌تواند آن را ترک کند.

پس ممکن است نتیجه مشورتشان این باشد که هر دو راضی شده باشند بچه را از شیر بگیرند، بدون اینکه یکی از دو طرف ناراضی و یا مجبور باشد و همچنین ممکن است نتیجه این باشد که پدر، فرزند خود را به زنی دیگر بسپارد تا شیرش دهد و همسر خودش راضی به شیر دادن نشود و یا فرضاً شیرش خراب باشد و یا اصلاً شیر نداشته باشد و یا جهاتی دیگر، البته همه این‌ها در صورتی است که مرد به خوبی و خوشی آنچه را که زن استحقاق دارد به او بدهد و در همه موارد منافاتی با حق زن نداشته باشد و قید «إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ» همین را می‌رساند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۵۸)

دیگر اینکه شیر دادن مادر به کودک مستحب است (چه آنکه مناسب‌ترین غذا برای کودک شیر مادر است). (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۳: ۲۸۳) اما واجب نیست؛ از این رو، مادر می‌تواند در ازای شیر دادن از پدر مطالبه اجرت کند. بر پدر نیز واجب است با داشتن تمکن مالی اجرت آن را بپردازد، مگر آنکه کودک مالی داشته باشد که در این صورت، بر پدر پرداخت اجرت از مال خود واجب نخواهد بود. برخی در این صورت نیز پرداخت اجرت را بر پدر واجب دانسته‌اند. (همان: ۲۷۴-۲۷۲)

۲. «رضاع» در روایات

اولویت مادر در شیر دادن

مادر در شیردادن به فرزند خود بر دیگران اولویت دارد، از این رو اگر مادر بخواهد کودک را مجانی یا با همان مزدی که دیگران می‌گیرند، شیر دهد، پدر نمی‌تواند مانع شود و کودک را از او بگیرد، البته اگر دایه‌ای حاضر شود کودک را مجانی شیر دهد و مادر، تنها در مقابل دریافت اجرت حاضر به شیر دادن باشد، حقّ او ساقط می‌گردد و پدر می‌تواند کودک را به دایه بدهد. (همان: ۲۸۱-۲۸۰)

فقیهان و مفسران با الهام از روایت‌های اسلامی در پاسخ به این پرسش که چرا در آیات ۲۳۳ سوره بقره و ۱۴ سوره لقمان،^۱ مدت شیرخوارگی ۲۴ ماه و در آیه ۱۵ سوره این مدت ۲۱ ماه عنوان شده است، چنین فرموده‌اند: حداقل دوران حمل شش ماه و حداکثر دوران مفید رضاع ۲۴ ماه است.

ضمناً از این تعبیر قرآنی می‌توان استفاده کرد که هر اندازه از مقدار دوران حمل کاسته شود، باید بر مقدار دوران شیرخوارگی افزود، به گونه‌ای که روی هم رفته، ۳۰ ماه تمام را شامل گردد. هرگاه دوران بارداری زن ۹ ماه باشد، باید ۲۴ ماه شیر دهد. (قانون طبیعی) بنابراین، هر اندازه کودک زودتر از دوران حمل طبیعی به دنیا آمد، به همان اندازه باید بر دوران شیرخوارگی اش افزود، چرا که کمبودهای دوران حمل در دوران شیرخوارگی

۱. «وَصَبَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد) و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است».

۲. «وَصَبَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ اَشْدَدَهُ وَبَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ اشْكُرَّ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می‌گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو بازمی‌گردم و توبه می‌کنم و من از مسلمانانم».



باید جبران گردد. در شرایطی که به اصطلاح علمی، نوزاد نارس و یا شش ماهه متولد می‌گردد، شیر مادر تأمین‌کننده نیازهای غذایی کودک و به‌طور هم‌زمان، تأمین‌کننده و ایمنی‌بخش لازم برای کودک است.

این دو ویژگی به‌طور یکجا از راه‌های دیگر قابل‌دسترسی نیست. ناگفته نماند که ارتباط عاطفی مادر و کودک هنگام شیر دادن از پستان نیز یک امتیاز استثنایی برای شیر مادر است و تأثیر شگفت‌انگیزی بر رشد عاطفی، ذهنی و روانی کودک دارد. (به‌پژوه، ۱۳۹۰: ۵)

۳. احکام رضاع

الف) شیر دادن مادر

شیر دادن مادر به کودک مستحب است، چه آنکه مناسب‌ترین غذا برای کودک شیر مادر است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۲؛ همو، ۱۳۷۱، ج ۳: ۶۳) اما واجب نیست؛ از این‌رو، مادر می‌تواند در ازای شیر دادن از پدر مطالبه اجرت کند. بر پدر نیز واجب است با داشتن تمکّن مالی اجرت آن را بپردازد، مگر آنکه کودک مالی داشته باشد، که در این صورت، بر پدر پرداخت اجرت از مال خود واجب نخواهد بود. برخی در این صورت نیز پرداخت اجرت را بر پدر واجب دانسته‌اند. (همان، ج ۲۵: ۷۴)

ب) اولویت مادر در شیر دادن

اگر مادر بخواهد کودک را مجانی یا با همان مزدی که دیگران می‌گیرند، شیر دهد، پدر نمی‌تواند مانع شود و کودک را از او بگیرد، البته اگر دایه‌ای حاضر شود کودک را مجانی شیر دهد و مادر، تنها در مقابل دریافت اجرت حاضر به شیر دادن باشد، حق او ساقط می‌گردد و پدر می‌تواند کودک را به دایه بدهد. (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۳: ۲۸۱-۲۸۰)

ج) مستحبات شیر دادن

شیر از هر دو پستان به کودک داده شود. (همان)

د) مدت رضاع

مدت کامل رضاع دو سال قمری است و تا ۲۱ ماهگی نیز جایز است، لیکن کمتر از آن بدون ضرورت جایز نیست، هرچند از برخی قول به جواز آن نقل شده است. شیر دادن بیش از دو سال تا یکی دو ماه بنا بر قول مشهور جایز است. (مکارم شیرازی، همان، ج ۳: ۲۹)

ه) اثبات رضاع

رضاع به شهادت دو مرد عادل و نیز بنا بر قول مشهور، چهار زن یا یک مرد و دو زن عادل ثابت می‌شود. شهادت یک زن و حتی دو زن عادل بنا بر قول مشهور کفایت نمی‌کند. (همان، ج ۲۹: ۳۴۶-۳۴۴)

و) محارم رضاعی

رضاع با شرایط یاد شده موجب انتشار محرمیت از شیردهنده و صاحب شیر به شیرخوار و نسل وی و بالعکس از کودک به آن دو و حرمت ازدواج آنان با یکدیگر می‌گردد. در نتیجه، کودک و فرزندان او، فرزندان آن دو به شمار رفته، شیر دهنده، مادر و صاحب شیر، پدر شیرخوار و نیاکان آن دو، اجداد او و فرزندان هر یک از آن دو، برادران و خواهران کودک و برادر و خواهر ایشان، خاله و دایی، عمه و عموی شیرخوار محسوب می‌گردند. (همان: ۳۹۰)

در حرمت فرزندان صاحب شیر بر شیرخوار، فرقی بین فرزندان نسبی و رضاعی او نیست، لیکن نسبت به مرضعه، تنها اولاد نسبی وی بر کودک حرام می‌شوند و اولاد رضاعی او از صاحب شیری دیگر، بر کودک حرام نمی‌شوند. از برخی، قول به حرمت نقل شده است. (همان)

بنا بر قول مشهور، انتشار حرمت به سبب رضاع تنها در این عناوین نسبی است: مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و دخترخواهر.





در صورت عدم حصول یکی از عناوین هفت‌گانه با رضاع و حصول عنوانی خاص که در نسب ملازم و متحد با یکی از عناوین هفت‌گانه یاد شده باشد نه در رضاع، حرمت تحقق نمی‌یابد، مانند عنوان مادر نوه انسان که در نسبی، ازدواج با او حرام است، زیرا وی یا دختر انسان است و یا همسر پسر (عروس) او که هر دو عنوان بر انسان حرام‌اند، لیکن عنوان یاد شده در رضاعی موجب حرمت نمی‌شود. بنابراین ازدواج مرد با زنی که نوه او را شیر داده حرام نیست. (موسوی سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲۵: ۲۶-۴۵) رضاع در ابتدا از موانع ازدواج و پس از ازدواج موجب بطلان آن است، از این رو، کسی که با دختر شیرخواری ازدواج کرده، در صورتی که خواهر یا همسر دیگر یا جده یا مادر یا همسر پدر و یا همسر برادرش او را شیر دهد، عقد نکاح باطل می‌شود. (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۱۳: ۲۷۲)

ز) شرایط موجب محرمیت

مذاهب بر صحت حدیث رسول خدا ﷺ اتفاق دارند که فرمود: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب؛ از شیر دادن حرام می‌شود، آنچه از نسب حرام می‌شود». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۴۳۸) بنابراین مشابه هر نسبی که باعث حرام شدن زن می‌شود از طریق رضاعی نیز حرام است، پس هر زنی که از طریق شیر مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و یا دخترخواهر رضاعی می‌شود به اتفاق تمامی مذاهب ازدواج با آنها حرام است. در عدد دفعات شیری که موجب تحریم می‌شود و در شرایط شیر دهنده و طفلی که شیر می‌خورد، اختلاف دارند.

یکم) شرایط رضاع در فقه شیعه

از نظر فقه شیعه محرمیت با نه شرط حاصل می‌گردد:

۱. شیر از ولادت باشد، بنابراین اگر پستان، بدون تولد فرزندی شیر پیدا کند و کودکی

از آن بنوشد، سبب محرمیت نمی‌شود؛

۲. بچه از زن زنده شیر بخورد، پس اگر پستان زن مرده‌ای را به دهان بگیرد و شیر بخورد اثری ندارد؛

۳. شیر آن زن از حرام نباشد، بنابراین اگر شیر بچه‌ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه‌ای بدهند، به کسی محرم نمی‌شود؛

۴. شیر را از پستان بمکد، ولی احتیاط واجب آن است که اگر شیر را در گلو بچه بریزند با آن زن و محارم او ازدواج نکنند؛

۵. شیر را با چیز دیگری مخلوط نکنند؛

۶. شیر مربوط به یک شوهر باشد، بنابراین اگر زنی را که دارای شیر است طلاق دهد، بعد شوهر دیگری کند و از او باردار شود و تا موقع وضع حمل، شیری که مربوط به شوهر اول بوده، باقی بماند و مثلاً کودکی را هشت دفعه از شیر مربوط به شوهر اول و هفت دفعه از شیر مربوط به شوهر دوم شیر دهد، آن کودک به کسی محرم نمی‌شود.

همچنین اگر زنی از شیر مربوط به شوهر اول کودکی را به طور کامل شیر دهد، سپس از شیر مربوط به شوهر دوم کودکی را شیر دهد، آن دو به یکدیگر محرم نمی‌شوند.

۷. کودک به واسطه بیماری شیر را قی نکند، ولی احتیاط واجب آن است در این صورت کسانی که به واسطه شیر دادن به آن بچه محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او ننمایند.

۸. کودک پانزده مرتبه، یا یک شبانه‌روز، شیر کامل بخورد یا آن مقدار به او شیر بدهند که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روئیده است. احتیاط مستحب آن است که اگر ده مرتبه شیر بخورد کسانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه نیز به او ننمایند.

۹. دو سال کودک تمام نشده باشد، بنابراین بعد از تمام شدن دو سال اگر به او شیر دهند به کسی محرم نمی‌شود؛ حتی اگر پیش از تمام شدن دو سال چهارده مرتبه، و بعد از آن یک مرتبه شیر بخورد با کسی محرم نمی‌شود، ولی اگر از موقع زاییدن زن بیش از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه‌ای را شیر دهد، احتیاط واجب آن است که با زانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می‌شوند ازدواج نکند و نگاه محرمانه هم ننماید.

حال اگر کودکی یک شبانه‌روز شیر زنی را بخورد باعث محرمیت می‌شود، ولی باید در بین یک شبانه‌روز غذا یا شیر زن دیگری را نخورد، مگر اینکه غذا به قدری کم باشد که به حساب نیاید. همچنین در بین پانزده مرتبه شیر خوردن، نباید شیر زن دیگری را بخورد و در هر مرتبه باید به قدری بخورد که سیر شود و بنا بر احتیاط دو دفعه به طور ناقص، نه دو دفعه حساب می‌شود و نه یک دفعه. (امام خمینی، ۱۳۶۸ ج ۲: ۲۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۸۸)

دوم) شرایط رضاع در فقه اهل سنت

رضاعی که موجب محرمیت می‌گردد، نزد اهل سنت دارای سه رکن است:

۱. مرضع و شیر دهنده

- لازم است که شیر دهنده زن باشد، بنابراین شیر مرد و یا شخص خنثی غیر مشکل به واسطه ندرت آن و عدم صلاحیت چنین شیری برای غذای رضیع موجب محرمیت نمی‌گردد، همچنین شیر حیوانات نیز موجب تحریم نمی‌گردد. (الموسوعه الفقهیه الکویتیة، ج ۲۲: ۲۴۲)



– زن شیرده باید بیش از نه سال داشته باشد، بنابراین شیر دختری که کمتر از نه سال دارد موجب تحریم نمی‌گردد، البته مالکیه این شرط را نپذیرفته و قائل‌اند که شیر دختر صغیر نیز موجب محرمیت می‌گردد. (همان: ۲۴۲)

– در فقه حنفی لازم نیست که شیر زن به واسطی وطی بوده باشد، بلکه اگر زنی بدون اینکه از شوهرش صاحب فرزند شده باشد، دارای شیر باشد و طفل شیرخواری را شیر دهد موجبات محرمیت محقق می‌گردد.

– در فقه حنفی و مالکی لازم نیست که زن زنده باشد، بلکه اگر زنی مرده باشد و از شیر وی به کودکی بخوراند باز موجب محرمیت می‌گردد. (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۲۵۵-۲۵۴) در فقه شافعی معتبر است که زن زنده باشد، لذا شیر دادن زن مرده موجب محرمیت نمی‌گردد. (الموسوعه الفقہیہ الکویتیہ، ج ۲۲: ۲۴۲)

۲. رضیع و طفل شیرخوار

– معتبر است که اگر شیر به هر شکل (غیر از راه گوش و مقعد و راه‌های غیر معتاد) به معده شیرخوار برسد، حتی اگر طفل بیدار هم نباشد، موجب محرمیت می‌شود، زیرا ملاک روئیدن گوشت و محکم شدن استخوان و رفع گرسنگی می‌باشد که این امور با خواب بودن نوزاد نیز محقق می‌گردد.

– شیرخوار نباید بیش از دو سال داشته باشد، لذا شیر دادن بعد از دوسالگی موجب تحریم نمی‌گردد. در مقابل این قول، قول مالکیه قرار دارد که تا دو سال و دو ماه را نیز موجب تحریم دانسته و همچنین قول ابوحنیفه که این میزان را تا دو سال و نیم دانسته است. (همان: ۲۴۷)

۳. شیر



- عدم اعتبار مکیدن پستان؛ آنچه در این میان معتبر است رسیدن شیر به معدۀ شیرخوار می‌باشد؛ حال چه این امر با مکیدن پستان باشد و چه با ریختن به دهان و یا بینی کودک شیرخوار و نوزاد.

- شیر باید خالص باشد و مخلوط با مایعی دیگر نباشد؛ اما اگر این امر به مقدار کمی باشد که اوصاف شیر را از بین نبرد، باز موجب تحریم می‌گردد، اما اگر به میزانی باشد که شیر صفت خود را از دست دهد و غلبه با مایعی باشد که در شیر ریخته شده باشد، فقهای اهل سنت در ثبوت تحریم با چنین شیری اختلاف نظر دارند. حنفیه و مالکیه قائل به عدم تأثیر می‌باشند اما در مقابل شافعیه در صورت حصول این شرط که مقداری از شیر به شکم طفل برسد، قائل به ثبوت حرمت می‌باشند. در فقه حنبلی نیز در این مورد اختلاف نظر است. همچنین اگر شیر با غذایی مخلوط گردد همین اختلاف موجود می‌باشد، لذا حنفیه قائل به عدم تأثیر چنین شیری در ثبوت محرمیت می‌باشند. (همان: ۲۴۳)

- اعتبار یا عدم اعتبار تعدد دفعات شیر دادن؛ اهل سنت در اینکه با پنج مرتبه شیر دادن رضاع محقق می‌گردد اختلاف نظری ندارند، اما اگر دفعات کمتر از پنج بار باشد اختلاف نظر و فتوای وجود دارد.

حنفیه و مالکیه و در روایتی از احمد و کثیری از صحابه و تابعین معتقدند که صرف عنوان شیر خوردن ولو با یکبار مکیدن نیز باشد موجبات تحریم را فراهم می‌سازد، بنابراین بر اساس نظر این گروه آنچه شرط است رسیدن شیر به شکم طفل است. (همان) اما در مقابل شافعیه و حنابله قائل به عدم تحریم چنین رضاعی می‌باشند. (همان) همچنین اهل سنت میزان در تعدد شیر دادن را عرف بیان نموده‌اند. (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲: ۲۴۲)

در مورد رضاع و شیر دادن کودک و نوزاد، عرف ملاک نیست، بلکه شرع ملاک است که هم در قرآن کریم و هم در روایات درباره آن، سخن رفته است.

خلاصه‌ای از نظرات هر دو گروه

۱. هر چهار مذهب فقهی اهل سنت (شافعی، مالکی، حنفی، حنبلی) قائل‌اند که شیر به هر طریقی به دهان طفل رسیده باشد، در حرمت کفایت می‌کند، اما امامیه (شیعه) قائل است که طفل فقط باید از پستان زن شیر خورده باشد نه راه‌های دیگر، مثل اینکه شیر را در حلق طفل بریزند.

شافعی و حنابله قائل‌اند که طفل حداقل باید پنج بار شیر خورده باشد، اما حنفیه و مالکیه قائل‌اند که به مجرد اینکه شیر خوردن صدق کند، حرمت ثابت می‌شود؛ زیاد باشد یا کم فرقی ندارد، حتی اگر یک قطره هم باشد حرمت ثابت است، اما شیعه، قائل است که طفل باید یک شبانه روز کامل و یا پانزده مرتبه فقط از یک زن شیر بخورد و در این میان زن دیگری به کودک شیر ندهد و طعامی غیر از شیر نخورد.

شافعی و شیعه و حنابله قائل‌اند که زمان معتبر در صدق حکم رضاع تا زمانی است که طفل دوساله شود. یعنی اگر بعد از اینکه دوساله شد شیر بخورد، اعتباری ندارد و حکم محرمیت بر آن بار نمی‌شود. مالکیه قائل است دو سال و دو ماه معتبر است، ولی حنفیه قائل‌اند که اگر بچه تا دو سال و نیم شیر بخورد، احکام بر او بار می‌شود، ولی اگر بعد از دو و نیم سالگی شیر زنی را بخورد هیچ اثری ندارد. (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۴:

۳۲۴)

۲. از دیدگاه امامیه شرط است که شیر زن از جماع شرعی حاصل شده باشد و اگر بدون ازدواج شیر به وجود آید یا به سبب زنا حاصل شده باشد، شیر او موجب حرمت نیست و شرط نیست که زن شیر دهنده در ازدواج مرد صاحب شیر باقی بماند، پس اگر طلاق گرفت یا در زمان حاملگی، زوج او مُرد و یا بچه شیرخواری از او داشت و آن



شیر دهنده طفل دیگری را شیر دهد نشر حرمت می‌کند اگرچه با دیگری ازدواج و شوهر دومی به او دخول کرده باشد.

حنفیه و شافعیه و مالکیه گفته‌اند در اینکه زن شیر دهنده باکره، بیوه، شوهردار و یا بدون شوهر باشد فرقی نیست، هر زمان که شیر داشت و طفل خورد، احکام رضاع لازم می‌شود.

حنابله گفته‌اند احکام رضاع شرعی حاصل نمی‌شود جز اینکه آن شیر به واسطه حمل باشد ولی شرط نکرده‌اند که آن حمل از جماع شرعی باشد. (همان)

از نظر شیعه، شرط است که طفل، شیر را از پستان بمکد، پس اگر شیر در حلق طفل ریخته شود یا به هر طریقی غیر از مکیدن شیر را بخورد حرمت رضاع حاصل نمی‌شود. مذاهب چهارگانه گفته‌اند به هر طریقی که شیر به شکم طفل برسد کفایت می‌کند، اما در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه آمده که حنابله گفته‌اند رسیدن شیر به شکم طفل، اگرچه از راه بینی باشد نه از دهان، کفایت می‌کند.

از دیدگاه فقه شیعه، حرمت رضاع حاصل نمی‌شود مگر طفل یک شبانه‌روز از آن زن شیر بخورد، به طوری که غذای او در این مدت منحصر به شیر آن زن باشد و در فاصله شیر خوردن غذایی نخورد و یا پانزده مرتبه شیر کامل بخورد و علت را چنین گفته‌اند که این مقدار شیر، یعنی پانزده بار، گوشت را می‌رویاند و استخوان را محکم می‌کند.

شافعیه و حنابله گفته‌اند باید از پانزده نوبت شیر کمتر نباشد.

حنفیه و مالکیه گفته‌اند به مجرد شیر دادن چه بسیار یا کم ولو با قطره‌ای تحریم حاصل می‌شود.

۳. شیعه، شافعیه، مالکیه و حنابله گفته‌اند زمان شیر خوردن طفل تا دو سال است. ابوحنیفه گفته است تا دو سال و نیم.

۴. حنفیه و مالکیه و حنابله گفته‌اند شرط نیست که زن شیر دهنده در قید حیات باشد، اگر فوت شد و طفل خود را به او رسانید و از پستانش شیر خورد در تحریم کفایت می‌کند و مالکیه گفته‌اند، اگر شک کنند که آنچه طفل خورده شیر بوده یا غیر شیر، باز هم نشر حرمت می‌کند.

شیعه و شافعیه گفته‌اند حیات شیردهنده هنگام رضاع شرط است و اگر قبل از تکمیل دفعات شیر بمیرد حرمت رضاع حاصل نمی‌شود. (همان: ۳۳۰)

تمام مذهب اتفاق دارند که صاحب شیر، یعنی شوهر شیر دهنده، پدر شیرخوار می‌شود و کسانی که بین پدران و پسران حرام است به آن دو هم حرام می‌شود و مادر صاحب شیر، جده پدری شیرخوار و خواهر صاحب شیر عمه شیرخوار می‌شود. همچنان که زن شیر دهنده، مادر شیرخوار و مادر آن زن هم جده مادری شیرخوار و خواهر شیردهنده خاله شیرخوار می‌شود.

مستحبات شیردهی

مستحب است که مادر، کودک خود را با شیر خویش تغذیه کند، زیرا شیر او قابل جایگزینی نیست و اگر ترسید مبادا در حالت ندادن شیر زبانی به طفل رسد، دادن شیر بر او واجب می‌شود.

۴۵

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: «الرَّضَاعُ وَاحِدٌ وَ عَشْرُونَ شَهْرًا فَمَا نَقَصَ فَهُوَ جَوْزٌ عَلَى الصَّبِيِّ؛ رضاع ۲۱ ماه است و اگر از آن کمتر شود، ظلم بر بچه است.» (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۴۵۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «انظروا من ترضع أولادکم فإن الولد یشب علیه؛ بنگرید چه کسی به کودکانتان شیر می‌دهد که کودک با آثار روانی همان شیر به جوانی می‌رسد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۴)



پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «توقوا علی اولادکم من لبن البغی من النساء و المجنونة، فإن اللبن یعدی؛ بپرهیزید از شیر خانم بد(فاسد) و مجنون زیرا از راه شیر سرایت می‌کند». (حرانی، ۱۳۷۲/۱۴۱۶ق: ۱۰۵) یعنی شیر اثر وضعی دارد و سرشتها را تغییر می‌دهد.

نتیجه گیری

در هر صورت آنچه امروز حاصل آخرین دست‌یافته‌های علمی است بر این نکته تأکید می‌کند که برای کودک شیری بهتر از شیر مادرش نیست و این در حالی است که چهارده قرن پیش از این نیز همین پیام از زبان گویا و پاک پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ به گوش جهانیان رسیده است: «لَیْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛ برای کودک شیری بهتر از شیر مادرش نیست». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۵۷)

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم (ترجمه مکارم شیرازی)
۱. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸)، *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته علیه.
۲. به پژوه، احمد (۱۳۹۰)، «نقش شیر مادر در رشد نوزاد و کودک»، مجله پیوند، ش ۶۵، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۳. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، *النقح علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام*، بیروت: دارالثقلین.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۸)، *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۵. حرانی، ابن شعبه (۱۴۱۶ق)، *تحف العقول*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر سیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ ۳، تهران.
۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، *بحار الانوار*، چ ۲، تهران: مکتب اسلامی.
۱۱. مقدس اردبیلی، محمدباقر (بی تا)، *زبدۃ البیان فی الاحکام القرآن*، چ ۱، تهران: مکتب المرتضویه.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، *کتاب النکاح*، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۴. الموسوعة الفقهية الكويتية (۱۴۲۰ق)، ترجمه جمعی از مؤلفین، کویت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیه.
۱۵. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۳۸۳)، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم: فجر ایمان.
۱۶. نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱م)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

